

# آقای عمادالدین باقی، انتقاد از اعتراض یا توصیه سکوت؟

## فرج سرکوهی

فعال مدافع حقوق بشر بودن البته خوب است اما نمی‌توان با سکوت و فقط در چارچوب مجاز قوه قضائیه اسلامی از حقوق بشر و از جان و آزادی آدم‌ها دفاع کرد مگر آن که ساختار امنیتی و قضائی اسلامی مسلط را شناسیم و از کارنامه آن‌ها بی‌خبر باشیم که شما هم می‌شناسید و هم بی‌خبر هستید

### فعالیت حقوق بشری و افکار عمومی

آقای عمادالدین باقی، که خود را مدافع حقوق بشر می‌داند و سوابقی در این زمینه در کارنامه خود دارد، در چندین توثیق در باره پرونده افکاری‌ها بر آن است که «پیگیری‌های حقوقی در دست انجام، بدون نیاز به جریان سازی‌های اخیر بخت کامیابی و کلا را داشت» اما «افتادن پرونده در کشمکش سیاسی این امیدها را . «می‌کاهد و خطر اعدام را بالا می‌برد

....

پرسش:

کدام «جریان سازی» و «کدام کشمکش سیاسی» رخ داده است که از نگاه آقای باقی نمی‌بایستی رخ می‌داد و چون رخ داده است «خطر اعدام را بالا می‌برد»؟

: پاسخ

- به گفته آقای باقی: «اکنون که مادر ۳ زندانی و خودش، اظهاراتی داشته اند که بازتاب گسترده یافته این «نگرانی وجود دارد که دستگاه امنیتی و قضایی دچار واکنش منفی شوند

: یعنی

،- دادخواهی مادر افکاری‌ها در یک فیلم کوتاه ۱

- نوار نوید افکاری که در آن به حکم علیه خود اعتراض و شکنجه برای گرفتن اعتراف تحمیلی را ۲

،روایت می‌کند

- «بازتاب گسترده» یا مطرح شدن حکم اعدام و حبس‌های سنگین در برخی رسانه‌ها، واکنش انتقادی ۳ برخی نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشری، واکنش انتقادی برخی کاربران فضای مجازی و تلاش آنان در کارزار برای لغو مجازات اعدام

این همه آنچه هست که رخ داده‌است و آقای باقی آن‌ها را «جریان سازی» و «کشکمش سیاسی» خوانده و «نگران آن است که «دستگاه امنیتی و قضایی دچار واکنش منفی شوند

....

آقای باقی از یاد برده‌اند که «دستگاه امنیتی و قضایی» پیش از همه این‌ها و در سکوت همگانی برای گرفتن اعتراف دروغ، شکنجه و حکم اعدام و حبس‌های سنگین را صادر کرده و برای این کارها به انگیزه بیرونی نیاز ندارد

چرا آقای باقی با انگ «جریان سازی» و «کشکمش سیاسی» مادر افکاری‌ها، نوید افکاری، برخی رسانه‌ها و معترضان به شکنجه و اعدام را، هرچند غیرمستقیم، به «بالا بردن خطر اعدام» متهم می‌کند؟

آقای باقی با «جریان سازی» و «کشکمش سیاسی» خواندن آنچه را که نوشتم سکوت خبری، سکوت خانواده، سکوت متهم و سکوت شهروندان را در برابر اعتراف به زور شکنجه گرفته شده و حکم‌های ناعادلانه اعدام توصیه نمی‌کند؟

این تصور که رسانه‌های شدن خبر شکنجه و اعدام و اعتراض عمومی بدان قوه قضائیه اسلامی را به «واکنش منفی»، به مثل اجرای حکم، وادار می‌کند نشانه نشناختن ساختار حاکم بر ایران و ندیدن تجربه ۴۰ سال گذشته نیست؟

نظام مسلط برای شکنجه و اعدام به انگیزه بیرونی نیازمند است؟

کافی است به فهرست طولانی نام‌هائی بنگریم که در سکوت خیری اعدام و شکنجه شدند

....

آقای باقی عزیز

اعتراض محکوم به مرگ به حکم خود و افشای شکنجه برای گرفتن اعتراف دروغین که مبنای حکم اعدام است، دادخواهی مادری علیه حکم ناعادلانه اعدام و حبس سنگین فرزندانش، رسانه‌ای شدن حکم اعدام، اعتراض کاربران فضای مجازی به حکم‌های اعدام و حبس‌های سنگین بر اساس اقرارهای به زور شکنجه

گرفته شده، برخلاف گفته شما نه «جریان سازی» و «کشکمش سیاسی»، که در رسانه‌ها کار حرفه‌ای و در مردم واکنش به حق انسانی است در برابر ستم و ظلم و حکم‌های نانسانی و ضد حقوق بشری

آقای باقی عزیز

خود می‌دانید که بسیاری در سکوت خبری رسانه‌ها، در سکوت خود و خانواده خود اعدام و زندانی و شکنجه شدند. خود می‌دانید که نظام ستم و قوه قضائیه اسلامی از این سکوت‌ها بهره‌ها برده‌اند تا شکنجه و اعدام و زندان‌های سنگین را گسترده‌تر اعمال کنند

آقای باقی عزیز

خبررسانی و طرح نظریات گوناگون، و از جمله انتقادی، در مواردی چون شکنجه و حکم مرگ انسان‌ها و.. از کارکردها و وظایف رسانه‌ها است. سکوت خبری و طرح نکردن نظریات انتقادی در این مورد، چیزی جز همدستی با قاتلان و شکنجه‌گران و گریز از کارکردهای حرفه‌ای نیست

حق خانواده محکوم است که دادخواهی و دلایل خود را علیه حکمی که ظالمانه می‌داند با مردم مطرح کند، حق محکوم است که از خود دفاع، به حکم اعتراض و شکنجه شدن خود را افشا کند

واکنش انتقادی و اعتراضی انسان‌ها به شکنجه و به حکمی که ناعادلانه می‌دانند، در فضای مجازی و حتا در تظاهرات و... حق همه انسان‌ها است و آنگاه که احساس ظلم می‌کنند وظیفه شهروندی آن‌ها

نظام استبداد و فقر و تبعیض و ستم، و قوه قضائیه آن نیز برای شکنجه و اعدام و حبس‌های سنگین به انگیزه بیرونی نیاز ندارد. کافی است به ۴۰ ساله گذشته یا به کارنامه رئیس قوه قضائیه این نظام نگاه کنید

فعال مدافع حقوق بشر بودن البته خوب است اما نمی‌توان با سکوت و فقط در چارچوب مجاز قوه قضائیه اسلامی از حقوق بشر و از جان و آزادی آدم‌ها دفاع کرد مگر آن که ساختار امنیتی و قضائی اسلامی مسلط را نشناسیم و از کارنامه آن‌ها بی‌خبر باشیم که شما هم می‌شناسید و هم با خبر هستید

آقای باقی عزیز

شما که خود را مدافع حقوق بشر می‌دانید با «جریان سازی» و «کشکمش سیاسی»، خواندن اعتراض محکوم و خانواده او و برخی شهروندان به شکنجه و اعدام و با توصیه مستقیم و غیرمستقیم سکوت در این موارد، زندانیان ستم و محرومان از حقوق بشر را از حمایت افکار عمومی محروم نکنیم

...

### تکمله ، بخشی از یک یادداشت

نظام مسلط بر ایران سیاست و برنامه سرکوب خود را متناسب با شرایط متحول جامعه تدوین و آماج (اصلی) سرکوب خود را نیز متناسب با شرایط و موقعیت تعیین می‌کند

به مثل متناسب با شرایط متحول زمانی گروه‌های سیاسی مخالف، زمانی روشنفکران مستقل منتقد، زمانی فعالان حقوق بشری اغلب نزدیک به اصلاح‌طلبان حکومتی و مطرح در رسانه‌ها، فضای مجازی و برخورد از حمایت نهادهای بین‌المللی حقوق بشری و... آماج اصلی سرکوب نظام مسلط بودند

از دی‌ماه ۹۶ به بعد، که نظام مسلط با اعتراض‌های مردمی رو به رو و آینده خود را در گسترش توفانی این اعتراض‌ها در خطر جدی می‌بیند، سرکوب هدف‌های پیشین خود را همچنان ادامه می‌دهد اما چهره‌های فعال در اعتراض‌های مردمی به آماج اصلی سرکوب خشن نظام بدل شده‌اند. مخالفان نظام نیز خوب است که این واقعیت را در سیاست‌ها و کنش و واکنش‌های حمایتی خود در نظر گیرند

حکم‌های اعدام و حبس‌های سنگین علیه چهره‌های فعال و برخاسته از اعتراض‌های مردمی بیان‌کننده این واقعیت نیز هست که نظام استبدادی در موقعیت کنونی از مردم معترض و چهره‌های برخاسته از اعتراض‌های مردمی بیش از همه می‌ترسد پس آنان را شکنجه و به اعدام و حبس‌های سنگین محکوم می‌کند تا مردم را ترسانده و از ظهور چهره‌های معترض مردمی جلوگیری کند

حضور فعال لایه‌های گوناگون مردم در سیاست و سازماندهی مستقل مردمی از شاخصه‌ها و لوازم اصلی دموکراسی است. چهره‌هایی که از بستر اعتراض‌های مردمی برمی‌خیزند، و اکنون به آماج اصلی سرکوب خشن نظام استبداد و فقر و تبعیض بدل شده‌اند، ستون‌های آلترناتیوهای دموکراتیک ایران هستند که در کوران مبارزه مردمی می‌آموزند و آبدیده می‌شوند

با حمایت از آنان از آینده دموکراتیک کشورمان حمایت کنیم

منبع: فیس بوک نگارنده

